

بررسی و تحلیل ارکان تشکیل دهنده جرم اشخاص حقوقی

سعید غیاثوند^۱، ایمان گله دار^۲، سجاد نیازی^۳، رضا بشیری خوزستانی^۴

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

چکیده

مسئله‌ی مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون گذاری ایران بی سابقه نبوده و قانون گذار در مواردی بدون اینکه این مسؤلیت را به رسمیت بشناسد تنها به ضمانت اجرای کیفری در مورد این اشخاص اشاره نموده است. تا جایی که در سال ۱۳۸۸ قانون گذار در قانون جرایم رایانه ای در ماده ۱۹ به طور مستقیم اشخاص حقوقی را دارای مسؤلیت کیفری در خصوص جرایم رایانه ای موضوع این قانون، در جایی که اشخاص حقیقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی اقدام به جرم رایانه ای نمایند دانسته است، که می توان گفت اولین حرکت قانون گذاری ایران به سمت پذیرش مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی می باشد. به موجب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران، «در مسؤلیت کیفری اصل بر مسؤلیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤلیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسؤلیت اشخاص حقوقی مرتکب جرم نیست.

واژه های کلیدی: ارکان تشکیل دهنده، شخصیت حقیقی، شخصیت حقوقی، مسؤلیت کیفری

بیان مسئله

قانون‌گذار در اولین تجربه خود برای شناسایی نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات ۱۳۹۲، اگرچه قدم مثبتی در جهت پر کردن خلأ قانون موجود در این زمینه برداشته، ولی بی‌نقص عمل نکرده است. مواد مرتبط در قانون مجازات ۱۳۹۲ دارای ابهامات و اجمالیت فراوانی است که جامعه حقوقی را به انتقاد واداشته و بالأخص دادگاه جزایی را در تصمیم‌گیری دچار تردیدهای فراوان می‌کند. ضروری است قانون‌گذار در جهت رفع این نواقص گام بردارد.

قانون‌گذار در جهت شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی عمومی و خصوصی، از میان دو نظریه‌ای که در این راستا در نظام‌های مختلف حقوقی شناسایی شده (نظریه مسئولیت مافوق یا کارفرما و نظریه مغز متفکر)، نظریه دوم که محدودتر محسوب می‌شود را پذیرفته است. البته محکومیت اشخاص حقوقی به دیه از این قاعده مستثناست و نظریه اول در مورد آن پذیرفته شده است. مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی از چالش‌های بنیادین حقوق کیفری ایران است که در مقررهای چندی می‌توان جای پای آن را دید ولی رویکرد کلی قانونگذار تا پیش از تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، بر نپذیرفتن آن بود. پذیرش مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی، دگرگونی‌هایی در قواعد عمومی حقوق کیفری و نیز اصل‌ها و شعبه‌های رسیدگی به اتهامات اشخاص حقوقی پدید می‌آورد که هر یک، جُستارها و دیدگاه‌های بسیاری را پیش می‌کشد که از این پس در نظام حقوقی ایران مطرح خواهند شد. اشخاص حقوقی دو گروه اشخاص حقوقی عمومی مانند دولت، سازمان‌های دولتی نظیر وزارت خانه‌ها، سازمان صدا و سیما یا سازمان‌های عمومی مانند شهرداری‌ها و سایر نهادها و نیز اشخاص حقوقی خصوصی مشتمل بر شرکتهای تجاری، موسسات غیر تجارتي اعم از موسسات انتفاعی و موسسات غیر انتفاعی مانند شرکتهای تجاری و موسسات مالی و اعتباری خصوصی و انجمن‌های هنری می‌باشند. یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ پذیرش صریح مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌باشد، که به یکی از مسایل بحث‌انگیز حقوق کیفری ایران پایان داده است. بر اساس ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با بیان شرایط مسوولیت کیفری شخص حقوقی چنین آمده که شخص حقوقی در صورتی دارای مسوولیت کیفری است که نمایندگان قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شوند. منظور از نماینده قانونی شخص حقوقی همان مدیر یا مدیران اشخاص حقوقی هستند که بر اساس قانون و یا بر اساس مواد اساسنامه تشکیل شخص حقوقی، تعیین شده باشند لذا چنانچه مدیر شخص حقوقی به نام شخص حقوقی تحت مدیریت و تصدی خود مرتکب جرمی شود که امکان نسبت دادن آن جرم به شخص حقوقی با لحاظ طبیعت شخص حقوقی میسر باشد یا آنکه مدیر شخص حقوقی بدون استفاده از نام شخص حقوقی تحت مدیریت خود مرتکب چنان جرمی در جهت منافع شخص حقوقی گردد، علاوه بر مسوولیت شخص حقیقی مرتکب جرم، آن شخص حقوقی هم مسوولیت کیفری دارد. از ابهامات موضوع می‌توان به این موضوع اشاره نمود که عبارت «در راستای منافع آن شخص حقوقی مرتکب جرمی شود»

گفتار اول: ارکان تشکیل دهنده جرم اشخاص حقوقی

همان‌گونه که در مورد اشخاص حقیقی برای انتصاب جرم به مجرم، ارکان جرم از قبیل عناصر مادی و معنوی باید محقق شود، در خصوص اشخاص حقوقی نیز وجود این ارکان لازم است. هر چند شخص حقوقی وجود عینی و ملموس و اندام ظاهری ندارد که با آن‌ها مرتکب جرم شود، ولی قانون نحوه ی تحقق شرایط و ارکان آن را بیان کرده است (فرج‌الهی، ۱۳۸۸، ۸۲).

در واقع به لحاظ حقوقی، برای آن که فعل شخص جرم به شمار آید باید نخست، قانون گذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر نموده باشد (رکن قانونی)؛ دوم فعل یا ترک فعل مشخص به منصفه ی ظهور و بروز با کمینه (رکن روانی یا معنوی) (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۱۲۵).

بند اول: رکن قانونی

مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هر رفتاری اعم از فعل و یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود.

رکن یا عنصر قانونی جرایم مربوط به همه ی جرایم می باشد که از آن بعنوان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها نیز یاد می شود که سابقه ای به قدمت پیدایش مکاتب کیفری و مجازات دارد.

فعل یا ترک فعل شخص هر اندازه که زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان بخش باشد، تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیش بینی نشده باشد قابل مجازات نیست. به بیان دیگر مادام که قانون گذار فعل یا ترک فعل را جرم نشناسد و کیفری برای آن تعیین نکند افعال شخص مباح است. بنابراین، تحقق جرم و صدور حکم مجازات منوط به نص صریح قانون است و چون بدون وجود قانون جرم محقق نمی شود گزاف نیست که گفته شود، قانون رکن لازم جرم است (لزوم عنصر قانونی) (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۱۲۶).

در مورد جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی نیز نیاز به نص صریح قانون و جرم شناختن اعمال آن ها می باشد. در ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ می توان گفت که این نص درباره ی جرم انگاری جرایم اشخاص حقوقی وجود نداشت؛ به جز موارد معدودی که به صورت پراکنده به جرایم این اشخاص پرداخته بود. در واقع تا قبل از قانون فوق الذکر در ایران اشخاص حقوقی دارای مسؤولیت نبوده اند و این امری نو در تاریخ قانون گذاری ایران می باشد. عنصر قانونی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را می توان در مواد، ۲۰، ۲۲، ۲۱ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیدا نمود.

مطابق ماده ۱۴۳ این قانون. «در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده ی قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست».

همچنین در ماده ۲۰ مجازات های اشخاص حقوقی را تعیین نموده است. ماده ۲۰ «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن، به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله ی رسانه ها

تبصره: مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند، اعمال نمی شود.»

و در ماده ی ۲۱ در مورد مجازات جزای نقدی برای اشخاص حقوقی وضع خاصی نسبت به اشخاص حقیقی تعیین نموده است. در ماده ۲۱ بیان می دارد که، میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله ی اشخاص حقیقی تعیین می شود.

و همچنین در ماده ۲۲ نیز در مورد انحلال و مصادره اموال وضع خاصی تعیین نموده است. به موجب این ماده، «انحلال شخص حقوقی و مصادره آن زمانی اعمال می شود که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.»

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز لزوم قانونی بودن جرم را در اصل یکصد و شصت و نهم بیان می دارد، به موجب این اصل، هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود. به عبارت دیگر فعل یا ترک فعل مادام که پیش از آن موضوع امر و نهی قانون گذار قرار نگرفته باشد جرم به شمار نمی رود. درباره ی لزوم قانونی بودن مجازات نیز اصل سیاسی و ششم قانون مذکور اعلام می دارد، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. (زراعت، ۱۳۹۲ ص ۵۸)

در قانون جزای فرانسه نیز اصل قانونی بودن جرایم اشخاص حقوقی که یکی از نوآوری های قانون جزایی جدید فرانسه نیز بوده مورد پذیرش قرار گرفته است، که در ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در اول مارس ۱۹۹۴ به موجب قانون تطبیق به مرحله ی اجرا گذارده شد (فرج الهی، ۱۳۸۸، ۱۱).

در مواد ۲ - ۱۲۱ تا ۷ - ۱۲۱ قانون فوق الذکر این مسؤولیت را در نظر گرفته و شرایط آن را نیز بیان نموده است. در ماده ۲ - ۱۲۱ چنین مقرر می دارد، اشخاص حقوقی به استثنای دولت، به تفصیلی که در مواد ۴ - ۱۲۱ تا ۷ - ۱۲۱ بیان شده و قوانین و مقررات پیش بینی کرده اند، از نظر کیفری مسئول جرایمی هستند که عامل یا نماینده ی به حساب آن ها مرتکب می شود، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسؤولیت اشخاص حقیقی که مباشر همان جرم هستند نمی باشد و در مواردی نیز از قبیل ۲۴ - ۱۳۲ و ۳۹ - ۱۳۱ و ۴۸ - ۱۳۱ و ... به مجازات ها و نحوه تعیین آن ها در فرانسه پرداخته است.

بند دوم: رکن مادی

یکی دیگر از عناصر و ارکان جرم رکن مادی آن است.

شخص حقوقی نیز مانند انسان باید رفتاری مجرمانه از او سر بزند تا با جمع شرایط دیگر او را مجازات کرد. اما شخص حقوقی که مانند شخص حقیقی موجودی زنده و دارای اندام و دست و پا و ... نیست که به وسیله ی آن مرتکب فعل یا ترک فعلی شود که قانون آن را جرم می شناسد. پس چگونه می توان اعمال انجام شده توسط این اشخاص را به آن ها منتصب نمود و مجازاتشان نمود؟

تا زمانی که شخص مبادرت به فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون جرم شناخته شده است نکند، فعل یا ترک فعل مجرمانه در چارچوب قانون بی حرکت باقی می ماند. اما انجام فعل یا ترک فعل مجرمانه موجب تولد مجرم می شود. اوست که محور سوال در مورد رفتار خویش قرار می گیرد. در وهله ی اول این مثال باید روشن شود که شخص مجرم چه عملی انجام داده است تا بتوان آن را منطبق با قانون جرم شناخت و در وهله ی ثانی آیا بزهکار در ارتکاب عمل خود واجد شرایط لازم برای تحمل مجازات یا اقدامات تامینی هست یا خیر؟ (نوربها، ۱۳۸۷، ۱۶۱)

مجرم باید مبادرت به فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد. بعبارت دیگر، کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود، بلکه وجود یک تظاهر خارجی عملی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزایی توسط فاعل که جرم به وسیله ی آن آشکار می شود برای تحقق فعل مجرمانه و مجازات فاعل، شریک یا معاون لازم است (نوربها، ۱۳۸۷، ۱۶۲).

لازم به ذکر است رفتار مجرمانه می تواند به سه شکل صورت پذیرد. می تواند فعل مثبت باشد که به آن فعل می گویند؛ و یا به صورت فعل منفی باشد که به آن ترک فعل می گویند؛ و در کنار این دو گروه، گاه اعمالی مثبت ناشی از رفتار منفی ممکن است آشکار شود که به آن فعل ناشی از ترک فعل می گویند. در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ از رفتار مجرمانه نیز یاد شده است. حال شخص حقوقی که اندام و دست و پا و مانند انسان ندارد چگونه فعل مثبت یا منفی و یا فعل ناشی از ترک فعل انجام می دهد؟

قانون گذار این مشکل را حل کرده است و نحوه ی تحقق و شرایط آن را می توان از متن مواد موجود برداشت نمود. وقتی بحث از اراده ی جمعی در اشخاص حقوقی به میان می آید یعنی این که شخص مسئول و نماینده که اختیار تصمیم گیری را دارد مسئول اعمال خارجی و عنصر مادی جرم است و از طریق اوست که باید این رفتار بروز کند. ضمن این که طبق ماده ۵۸۹ قانون تجارت ایران تصمیمات شخص حقوقی به وسیله ی مقاماتی که به موجب قانون یا اسسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود.

همگی مبین این نظر است که عنصر مادی جرایم اشخاص حقوقی توسط نمایندگان و عاملان و یا هر مقامی که مسئول شخص حقوقی می باشد، اتفاق می افتد پس به طور کلی تمام شرکاء یک شرکت وظایفی در اداره ی شرکت ندارند، به همین دلیل است که نمی توان تصمیماتی که آن ها می گیرند باعث مسؤولیت کیفری شود به شخص حقوقی نسب داد و موجب مسؤولیت خود شخص حقیقی می باشد.

وقتی که شخص حقیقی بعنوان نماینده ی قانونی شخص حقوقی عمل مجرمانه ای را انجام می دهد و یا در راستای منافع او عمل می کند در واقع در حال بروز دادن اراده ی شخص حقوقی است و نتیجه ی عمل مجرمانه ی آن نتیجه ی اراده ی جمعی شخص حقوقی است که اراده ی آن را بر عهده دارند و باید پاسخگوی اعمال اراده جمعی باشد. در واقع همان طور که گفته شد، شخص حقیقی عنصر مادی جرایم اشخاص حقوقی را از تمامی اعضاء شخص حقوقی به عاریه گرفته و اگر چه شخص حقوقی موجودیت انسان زنده را ندارد ولی اراده ی او به آن افرادی که او تشکیل داده اند و یا اداره می کنند برمی گردد. در واقع شخص حقوقی حتی اگر جرمی مرتکب نشده باشد از نظر کیفری نسبت به عمل شخص حقیقی عامل غیر مستقیم، مسئول است. در نتیجه مسؤولیت کیفری شخص حقوقی از مسؤولیت کیفری شخص حقیقی مستقل است. با این وجود این مساله فقط در جرایم غیر عمدی بکار برده نمی شود.

بند سوم: رکن معنوی

به اعتقاد غالب حقوق دانان وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته است برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا برای ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرایم عمدی)، و یا در اجرای عمل به نحوی از انحاء و بی آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسؤولیت جزایی (در صورت وجود این مسؤولیت) شناخت (جرایم غیر عمدی) (نور بها، ۱۳۷۵، ۱۷۶).

فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد. به سخن دیگر میان فعل مادی و حالات روانی فاعل بایستی نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت. (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۲۳۳).

رکن معنوی جرایم، در جرایم عمدی و غیر عمدی متفاوت است و با تعریف قصد مجرمانه می توان جرایم عمدی را از جرایم غیر عمدی تفکیک نمود.

حقوق دان نامور فرانسوی امیل گرسون تعریفی از سوء نیت (قصد مجرمانه) به دست داده است که هنوز معتبر است، بنابراین تعریف قصد مجرمانه عبارت است از: «اراده ی فاعل به ارتکاب جرم، همان گونه که قانون تعیین کرده است» و یا «آگاهی بزهکار به نقض ممنوعیت های قانونی».

تقصیر یا خطای کیفری رکن معنوی جرایمی است که اصطلاحاً غیر عمدی نامیده می شود. در جرایم غیر عمدی دیگر شخص قصد مجرمانه و خواستن عمل را ندارد و در واقع عمل او ناشی از بی احتیاطی، بی مبالاتی، غفلت و سهل انگاری، عدم رعایت مقررات و نظامات و ... است که نتیجه ی مجرمانه به بار آورد و شخص قابل مجازات می باشد.

بی شک عنصر روانی یکی از عناصر لازمه ی در وقوع جرم می باشد و در صورت عدم وجود این رکن نمی توان شخصی را مجازات نمود؛ حال باید دید شخص حقوقی که موجودی فرضی یا اعتباری است و مانند شخص حقیقی، انسان و جاندار نیست که دارای اندام دست و پا و مهمتر از همه قدرت تفکر و مغز باشد تا با آن قدرت تفکر و تعقل، فعل مجرمانه ای را نیت کرده باشد و یا بی احتیاطی و بی مبالاتی و ... کرده باشد پس چگونه این شخص را مجازات کنیم؟

از میان متون قانونی، از جمله مواد ۲ - ۱۲۱ - ۷ تا ۱۲۱ - قانون جزای فرانسه و ماده ۱۴۳ قانون جدید مجازات اسلامی ایران و همچنین ماده ۵۸۹ قانون تجارت ایران می توان اینگونه برداشت نمود که با توجه به اینکه در همه ی قوانین مذکور و همچنین منطق حقوقی، عامل و یا مقاماتی که به موجب قانون و یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم را دارند، دارای عنصر روانی باشند کافی است. وقتی در شخص حقوقی صحبت از اراده ی جمعی و مشترک می شود و در بحث مبنای تشکیل اشخاص حقوقی از اراده ی و روح جمعی و وجدان جمعی صحبت می شود، برای شخص حقوقی اراده و خواست جداگانه ای از اعضاء قایل هستند و یک اراده محسوب می شود که متفاوت از اراده تکلیف تکلیف اعضای تشکیل دهنده ی آن می باشد. در واقع تمام اعضاء در این اراده که شخص حقوقی مرتکب جرم می شود شریک هستند و نماینده ای که این اراده را بروز می دهد از یکایک اشخاصی که او را انتخاب کرده اند به عاریه گرفته است و مجموع همه ی آن ها تبدیل به یک اراده می شود تا با آن مرتکب جرم شود. در واقع تصمیمات او دلیل بر این است که همگی اعضاء انتخاب کننده و دستور دهنده در آن اراده شریک هستند.

اشخاص حقیقی وقتی که به نام شخص حقوقی عمل مجرمانه ای انجام می دهند و یا در راستای منافع آن عمل می کنند، در حال بروز اراده ی شخص حقوقی می باشند و نتیجه ی عملیات آن نتیجه ی اراده ی جمعی شخص حقوقی هست که در حال هدایت شخص حقوقی می باشند و باید پاسخگوی اعمال اراده ی جمعی باشد. در واقع شخص حقوقی عنصر مادی و روانی فعل مجرمانه را از لعضای آن به شخص نماینده ی قانونی به ترتیبی که گذشت و به نام وی و یا در راستای منافع آن عمل می نمایند به عاریه می دهند، و دارای یک اراده ی جمعی می باشد که همان اراده ی تصمیم گیرندگان آن می باشد.

این امر در عمل باعث می شود که اشخاص در انتخاب مدیران و نمایندگان اشخاص حقوقی با دقت نظر بیشتری بنگرند و اشخاص لایق تر و مورد اعتماد را برای کار مدیریت شخص حقوقی انتخاب نمایند، زیرا از اعمال و تصمیمات آن ها ممکن است که سود و زیاده بیشتری نصیبشان شود.

گفتار دوم: مباشرت، مشارکت، معاونت در جرم توسط اشخاص حقوقی

وقتی شخص به ارتکاب فعل یا ترک فعل مجرمانه ای مبدرت می کند که طبق قانون جرم شناخته شده است. این اعمال باید با قصد مجرمانه صورت گیرد و یا نحوه ی عمل قصد را مشخص می سازد و یا با خطای کیفری ممزوج می گردد که در این موارد قانون، بزهکار را از نظر جزایی مسئول می شناسد و او را مستوجب مجازات یا حسب مورد اقدامات تامینی و تربیتی می داند. این مساله به ظاهر ساده و در عمل با مسایل دیگری پیوند می خورد. اولاً ممکن است مجرم مسؤولیت جزایی بر او بار شده است خود به تنهایی جرمی را انجام دهد و یا با همکاری دیگران به ارتکاب جرم بپردازد که همگی می توانند از نظر جزایی مورد سوال قرار گیرند. در این حال، ما با بزهکار و یا بزهکارانی مواجه هستیم که مسؤولیت آن ها مشخص و روشن است. عبارت دیگر علت و علت هایی که مسؤولیت را زایل کند. وجود ندارد. در این مورد کافی است که ما مباشر جرم و شرکاء و معاونان او را بازخواست جزایی قرار دهیم (نوریها، ۱۳۸۷، ۱۸۸ - ۱۸۷).

پس بنابراین باید سه وضعیت مجرمانه مباشرت، مشارکت و معاونت در مورد همه جرایم و از جمله جرایم اشخاص حقوقی در نظر بگیریم و مورد بررسی قرار دهیم.

بند اول: مباشرت در جرم اشخاص حقوقی

فاعل یا کننده ی کار و یا به اصطلاح مباشر جرم به کسی گفته می شود که فعلی مجرمانه از او سر زده باشد، و این نسلت بین فاعل و فعل باید مستقیم و بلاواسطه باشد تا عنوان مباشر را بتوان بر او بار نمود. اکثر حقوق دانان فاعل را به دو نوع فاعل مادی و فاعل معنوی تقسیم نموده اند.

فاعل مادی یا همان مباشر کسی است که رفتار مادی و معنوی وی با توصیف قانونی جرم کاملاً مطابقت دارد، مانند کسی که مال دیگری را پنهانی برباید، عمل او خواه مستقیماً و بلاواسطه به نتیجه بیانجامد، مثلاً دست ببرد و مال را از حرز خارج کند و خواه به تسبیب، مثلاً پرنده ی دست آموزی را وسیله قرار دهد، تغییری در عنوان او پدید نمی آورد (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۲۷).

فاعل معنوی در برابر فاعل مادی کسی است که جرم را توسط دیگری مرتکب شود. به سخن دیگر، کسی که با داشتن اقتدار خواه در عمل و خواه به موجب قانون جرم را بی آنکه ماداً در ارتکاب آن مداخله کند واقع می سازد فاعل معنوی نام دارد.

فاعل معنوی را باید نسبت به فاعل مادی که بازوهای اجرایی جرم محسوب می شود مغز اندیشیده به شمار آورد و به همان اندازه از افعال او بیمناک بود. به همین دلیل در ارتکاب بعضی از جرایم قانون گذار تفاوتی میان فعل مادی و معنوی قایل شده و هر دو را به یک میزان مسئول شناخته است (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۳۷).

وقتی که فعل مجرمانه ای توسط شخص حقوقی اتفاق می افتد چه شخص یا اشخاص مباشر در جرم می باشند؟ آیا فقط یک نفر فعل مجرمانه را انجام داده است و به اصطلاح فاعل جرم می باشد یا چند نفر؟ آیا فقط شخص حقوقی مباشر در جرم است یا شخص و یا اشخاص حقیقی نیز مباشر در جرم می باشد؟

در تالیفات کتب و پژوهش های حقوقی در ایران تا به حال در این زمینه چیزی نوشته نشده است و به دلیل جدید بودن این قانون رویه ای نیز در این مورد در بین محاکم وجود ندارد. پس به ناچار باید با تامل و تعقل این مطالب را کشف نمود و به سئوالات فوق پاسخی مناسب و در خور داد.

برخی از جرایم وجود داند که فی حدالذاته مختص انسان می باشند و فقط انسان یا شخص حقیقی می تواند آن ها را انجام دهد. بعنوان مثال جرم زنا که فقط انسان می تواند آن را مرتکب شود و شخص حقوقی که موجودی فرضی است و مانند انسان دارای دست و پا و اندام و جوارح نیست به هیچ وجه قادر به انجام آن از طریق مباشرت و مشارکت نیست.

با توجه به اینکه در قانون استثنائاتی درباره ی جرایم اشخاص حقوقی در نظر گرفته نشده است، قانون گذار ایران از ابتدا مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را به طور مطلق در همه جرایم پیش بینی نموده است که این امر خالی از اشکال نیست. در فرانسه به این گونه در بحث مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی عمل ننموده است. در فرانسه ابتدا به مدت ۲ سال زمینه ی ایجاد این مسؤولیت در بین مردم و قضات ایجاد شد تا با این مفهوم آشنایی پیدا کنند و آموزش های لازم را ببینند، به طوری که در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در سال ۱۹۹۴ به مرحله ی اجرا گذاشته شد، و بعد از آن نیز به مدت ۱۰ سال این مسؤولیت فقط در مورد جرایم خاصی بوده و شامل تمام جرایم نمی شد و پس از ۱۰ سال، در سال ۲۰۰۴ در همه ی جرایم به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۵ به مرحله اجرا گذاشته شد.

حال باید دید که شخص حقوقی می تواند مرتکب عمل زنا شود؟ یا شخص حقیقی نماینده ی قانونی شخص حقوقی امکان دارد که در راستای منافع و یا به نام شخص حقوقی عمل مجرمانه را انجام دهد؟

با توجه به ماده ۱۴۳ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پاسخ به این سؤال می تواند مثبت باشد. بعنوان مثال شخص حقیقی نماینده ی شخص حقوقی برای بدنام کردن شرکت رقیب خود به زنا با نماینده ی قانونی شرکت رقیب که یک خانم می باشد اقدام می نماید. اولاً در این مورد شخص حقوقی نیز دارای مسؤولیت کیفری است، البته با توجه به اثبات در راستای منافع بودن شخص حقوقی و ثانیاً اینکه در این مورد نمی توان شخص حقوقی را مباشر جرم قلمداد نمود، زیرا جرم زنا قابل شرکت نیست و هر کسی که آن را انجام داد مباشر جرم قلمداد می شود؛ و اصولاً جرم زنا به اصطلاح جزء جرایم شریک بردار نیست. پس شخص نماینده مباشر جرم می باشد و تحت شرایطی می توان شخص حقوقی را بعنوان معاون جرم زنا محکوم نمود.

اما در جرایمی که بر عکس جرم پیشین هم می تواند توسط شخص حقیقی و هم توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد بحث متفاوت است. بعنوان مثال جرم کلاهبرداری اگر شخص نماینده قانونی، به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی اقدام به کلاهبرداری نماید، می توان شخص حقوقی را محکوم به کلاهبرداری نمود.

با توجه به ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران و همچنین ماده ۲ - ۱۲۱ قانون جزای فرانسه که بیان می دارد، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست؛ در واقع هم شخص حقوقی و هم حقیقی مجازات می شود، می توان گفت که هر دو آن ها مباشر جرم می باشند و در فعل مادی جرم مداخله داشته اند. در واقع مسؤولیت متعدد را به بار می آورد که هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی، مسئول و قابل مجازات می باشند.

بند دوم: مشارکت در جرم اشخاص حقوقی

شریک، همکاری یا مشارکت جنایی صور گوناگونی دارد. گاه در وضعی خاص شماری از افراد بر اثر شور و هیجان ناگهانی بدون آن که توافقی میان آن ها باشد دست به ارتکاب جرایمی می زنند که در حالت انفرادی حتی قادر به ارتکاب آن نیستند، ولی به دلیل همراهی و پشتیبانی از یکدیگر در حالت ازدحام اتفاق می افتد که امیال خفته و سرکش آن ها به ناگاه بیدار گردد و عرصه را برای سرکشی و جولان مناسب ببینند، ولی گاه مشارکت جنایی محصول تفاهم ضمنی و پیش بینی دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم معینی است، در این صورت همه ی کسانی که در اجرای جرم شرکت داشته اند به اتهام جرم واحد تعقیب خواهند شد و هر یک از آن ها شریک محسوب می شود (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۲۸).

از مجموع مواد قانون جزای فرانسه و همچنین قانون جدید مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ می توان شریک در جرم را این گونه تعریف نمود که، شرکت در جرم عبارت است از همکاری دست کم دو یا چند نفر در اجرای یک جرم خاص، به طوری که

فعل هر یک سبب وقع آن می شود. البته این انجام فعل باید با قصد مجرمانه منجز و هماهنگ با همکاران خود، به نحوی باشد که بتوان او را شریک در مفهوم عذفی شناخت.

بحث شرکت در جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است، مطابق ماده ۱۲۵ قانون فوق الذکر «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کنند و جرم مستند به رفتار همه آن ها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیر عمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

نتیجه گیری

قانون گذار ایران در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، با قراردادن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر اساس نظریه مغز متفکر، این نهاد را به صورت مضیق پذیرفته است. قانون گذار در پذیرش این نهاد و در تنظیم ماده ۱۴۳ تحت تأثیر قانون جزای فرانسه بوده است. البته پذیرش نظریه مغز متفکر تنها در مورد مجازات های تعزیری است؛ لکن در مورد دیه، قانون گذار موسع عمل کرده و به نوعی نظریه دیگر یعنی نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما را لحاظ کرده است. به نظر می رسد در مجموع رویه قانون گذار در این زمینه قابل دفاع باشد. با توجه به این که تا به حال نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی نبوده است، در زمینه مجازات های تعزیری با احتیاط عمل شده و آنجا که پای دیه و خسارت در میان است، دست قاضی را برای صدور حکم به محکومیت شخص حقوقی باز گذاشته است. آنچه قابل ایراد است، آن که قانون مجازات اسلامی در مواد مربوطه در این زمینه ابهامات و اجمالاتی دارد که عمل به آن را سخت می کند. لذا انتظار می رود در جهت رفع این نواقص اقداماتی انجام شود. از جهتی دیگر نیز قانون گذار با مستثنا کردن دولت، اشخاص حقوقی دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، دایره این نهاد را محدود نموده است. این استثنائات نیز در حقوق جزای کشورهای مختلف معمول بوده و عموماً به دلایل زیر انجام می شود:

اول، اقتدار و حاکمیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی در زمان انجام اعمال حاکمیتی. مجازات کردن دولت و دیگر اشخاص حقوقی حقوق عمومی موجب تحقیر حاکمیت و کاهش قدرت سیاسی کشور می شود.

دوم، جلوگیری از زیان دیدن جامعه و افراد بی گناه. اشخاص حقوقی حقوق عمومی خدمات عمومی ارائه می دهند، مجازات این اشخاص موجب خلل در انجام وظیفه شان شده و زیان مضاعفی به زیان دیدگان از جرم وارد می کند.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان، چاپ هجدهم، جلد دوم.
۲. اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۷). حقوق تجارت: شرکت های تجاری. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، جلد اول.
۳. اشرف دلفانی، علی. (۱۳۸۲). مبانی مسؤلیت کیفری در اسلام و فرانسه. قم: موسسه بوستان کتاب قم، چاپ اول.
۴. امامی، سید حسن. (۱۳۵۴). حقوق مدنی. تهران: کتاب فروشی اسلامیه، چاپ پنجم، جلد چهارم.
۵. داراب پور، محراب، ۱۳۹۱، تجارت و معاملات بازرگانی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم.
۷. رضایی زاده، محمد جواد، ۱۳۹۰، حقوق اداری (۱) چاپ دومف تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۸. زراعت، عباس، ۱۳۹۲، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ انتشارات مجد.
۹. صفار، محمد جواد. (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی. تهران: نشر دانا.
۱۰. صفار، محمد جواد. (۱۳۹۰). شخصیت حقوقی، تهران: انتشارات بهنامی، چاپ اول.
۱۱. طباطبایی مومنی، منوچهر. (۱۳۸۷). حقوق اداری. تهران: انتشارات سمت، چاپ چهاردهم.
۱۲. علی زاده، علی. (۱۳۸۹). مسؤلیت کی. تهران: انتشارات گل مریم، چاپ اول.
۱۳. عبداحمید، ابوالمحمد، ۱۳۶۹، مقاله پیرامون یک رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور و مساله شخصیت حقوقی دولت، نشریه دانشکدهی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۵.
۱۴. فرج الهی، رضا. (۱۳۸۸). مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه. تهران: نشر میزان.
۱۵. فیض، علی رضا. (۱۳۶۴). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی. تهران: چاپ وزارت ارشاد اسلامی، جلد اول.
۱۶. قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۸ مرداد ۱۳۶۸.
۱۷. قانون مجازات اسلامی، چاپ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲.
۱۸. قربان نیا، ناصر، ۱۳۷۷، شخصیت حقوقی سازمانهای بین المللی، ماهنامه مفید، تابستان شماره چهاردهم.
۱۹. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۰). ضمان قهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۲۰. ماده ۳ قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۸ مرداد ۱۳۶۸.
۲۱. مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴، انتشارات جنگل.
۲۲. معین، محمد، ۱۳۶۸ فرهنگ فارسی، جلد ۳.
۲۳. محمدی پناه، مسعود، ۱۳۸۹، مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون جرایم رایانه‌ای، ماهنامه مهندسی ارتباطات، آذر ماه.
۲۴. منصور، جهانگیر. (۱۳۸۵). قانون تجارت نشر دیدار.
۲۵. منصور، جهانگیر. (۱۳۸۸). قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری. نشر دیدار.
۲۶. نوربها، رضا. (۱۳۷۵). زمینه حقوق جزای اسلامی. تهران: کانون وکلای دادگستر مرکز، چاپ دوم.
۲۷. نوربها، رضا. (۱۳۸۷). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیستویکم.
۲۸. ولیدی محمد صالح، ۱۳۹۲، شرح بایسته های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، انتشارات جنگل.
۲۹. ولیدی، محمد صالح. (۱۳۷۱). حقوق جزا: مسؤلیت کیفری. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.